

allmählich لغت شب Wort der Nacht

written by مرتضی غلام نژاد | ژانویه 6, 2017

allmählich به تدریج ، به مرور زمان ، کم کم

Allmählich lernen

به تدریج یاد گرفتن.

Allmählich abnehmen

به مرور زمان وزن کم کردن - لاغر شدن

Allmählich zunehmen

کم کم وزن زیاد کردن - چاق شدن

Allmählich wurde mir klar

به مرور زمان برایم روش شد!

به مرور زمان به آن پی بردم ، آنرا درک کردم

Sich allmählich wieder beruhigen

خود را به تدریج دوباره آرام کردن.

Allmählich bekomme ich Zweifel daran

کم کم دارم به آن شک میکنم.

Der Plan nimmt allmählich greifbare Gestalt an

نقشه دارد کم کم شکل قابل لمسی به خود می گیرد.

Allmählich beginnt man geduldig zu lächeln

به تدریج آدم صبورانه شروع به لبخند زدن می کند.